

## چهره در پرده زهد و دل از ایمان خالی

نام نا میمونی را که همه هموطنان ما از گذشته های دور با وی آشنا هستند (گلب الدین حکمتیار) شخصی که بیشترین عمر خود را و بخصوص از زمان سیاست بازی هایش در خشونت، جنایت، زشتی و پلشتی، سفاکی و بربریت صرف اهداف، امیال و آرزو های دستگاه استخباراتی آی اس آی نموده است بر مبنای همین صفات از آن سازمان کسب اعتماد کرد و نزد آن دستگاه متمایز شد و از آن زمان دشمنان سوگند خورده ای مردم افغانستان به امید بر آورده شدن اهداف خویش، بالایش سرمایه گذاری کرد و نامبرده را تا حدی به خود گرویده ساخت که داوطلبانه آماده الحاق کشورش به پاکستان تحت نام کنفدریشن یا ضلع پنجم گردید و با پیروزی مجاهدین و ایجاد دولت اسلامی افغانستان که مراد آن سازمان در آن بر آورده نگردید ویرا با اعزام پنجابی ها، عربی ها و سایر تروریست ها تا ساحات چهلستون کابل تقویه کرد.

حکمتیار به هدایت آن سازمان باکشتار مردم و ویرانی کشورش نا عاقلانه تیشه به ریشه خود زد، روزانه هزاران راکت را بصورت عمدی و پلان شده به محلات مختلف شهر کابل شلیک کرد و هزاران انسان این کشور را زیر آوار ها نمود حتی عطش و خونخواری اش میرویس جلیل خبر نگار بی بی سی را در نیمه راه (چهل ستون)، راهی دیار عدم نمود، سر انجام در اثر اصابت راکت های وی نیمه ای از شهر کابل به ویرانه مبدل شد که با این کارخواست تا وفاداری و خوش خدمتی خویش را به بادارانش ثابت سازد که در فرجام ، جز نفرت و انزجار مردم و سیاه رویی برای خویش چیزی را از آن کمایی نکرد.

با همه خون هاییکه این دلقبه دستور بیگانه جاری ساخت عطش سازمان استخباراتی پاکستان در قبال مردم ما فرو نه نشست، ناچار به تدارک بدیل آن پرداخت که با انتصاب ملا عمر، موره دیگر خود و نسج یابی گروه طالب و در جمع شان افراد القاعده و تروریستان بین المللی را همرا با پنجابیان ، در صفوف طالبان تنظیم، و کشور مارا به جولانگاه دهشت گران مبدل نمود و از اینکه چرخ زمان در کشور ما به کام سازمان استخباراتی آی اس آی می گشت در موجودیت نوکران نو ظهور (طالبان) حکمتیار به گوشه انزوا نشست و از جولان دهشتگران پنجابی ، عربی ، چیچی ، سودانی ، الجزایری و غیره و غیره خارجی ها که به ویرانگری افغانستان و کشتار مردم آن فرستاده شده بودند که تاریخ هرگز جنایات شان را فراموش نخواهد کرد، این امیر حرفی به زبان نمی آورد و خمی به ابرو، این مهره نیم سوخته و فارغ از چلند سازمان استخباراتی کشور همسایه برای مدتی از انظار ناپدید در حالیکه در کشورش بالای مردمش ، ظلم و استبداد القاعده و تروریسم بیداد میکرد و حتی افراد وابسته به خود امیر از گزند شان در امان نماند ، چون مهر خاموشی آی اس آی به دهنش حک شده بود از افراد وابسته به حزب خود هم دفاع نکرد ، همین که رژیم دست نشانده آی اس آی (طالبان) در افغانستان سقوط کرد، وی یکباره از ایران سر بلند کرد و باز هم جهاد را در افغانستان روا دانست، اینکه چه رمز و رازی با گروه طالبان دارد ، شاید تنها آی اس آی از آن آگاهی داشته باشد و بس، زیرا آی اس آی، هردو را رهبری میکند، که دوباره بجای خود نشست. بعد از سالها ویرانگری طالبان ، امیر را هم آرام نگرفت و خواست که خود را مطرح نماید ، به حملات انتحاری و انفجاری شروع نمود و با قهرمانی ، اولین حمله انتحاری را توسط خانمی بالای مردم خود انجام داد.

در پهلوئی سایر سیاه کاری ها این بار به مناسبت فرا رسیدن عید سعید فطر این امیر حزب خود را به امیر قوم مبدل کرده و در پیامی گفته است : ( نیرو های بین المللی مستقر در کشور را متهم به حمایت از اقوام غیر پشتون کرده میگوید که این نیرو ها میخواهد افغانستان را تجزیه کند و نیرو های بین المللی با حمایت شان از اقوام غیر پشتون ، میخواهد جنگ در افغانستان ادامه یابد ، به گزارش بی بی سی آقای حکمتیار افزوده است که) اکنون بامیان ، دایکندی و بلخ حیثیت ایالت های مستقل را دارند ( در این پیام او کاخ ریاست جمهوری افغانستان را متهم کرده است که زیر فشار ( دالر دولت ایران و برنامه های آمریکا ، دایکندی را ولایت ساخته و اختیار تمام نهاد های ملکی و نظامی ولایات مرکزی را به) هزاره ها و شیعه ها ) سپرده است.

امیر حزب به هزاره ها هشدار داده که ( آن روز فرا خواهد رسید که مردم مظلوم افغانستان برای احقاق حقوق غضب شده شان کمر ببندند و در آن زمان در هیچ گوشه کشور پناه گاهی برای خود نخواهد یافت . بعضی از آن ها به ایران فرار خواهند کرد و ایران هم با آن ها سلوک وحشیانه وبی رحمانه خواهد کرد.) در حقیقت سخنان امیر حزب از جمله سوژه های قبلاً تنظیم شده دستگاه استخباراتی آی اس آی است که چندی قبل به شکل دیگر آن از زبان معاون وزارت خارجه پاکستان به آقای عمر داوود زی سفیر دولت جمهوری اسلامی افغانستان مقیم در اسلام آباد پیش کش شده بود و تقاضا نموده بودند که چند ولایت را ، دولت جمهوری اسلامی افغانستان به طالبان وا گذار نمایند.

این است اندیشه امیر یک حزب که در آرزوی روزی هم است که در این کشور بالای مردم آن در مقام یک امیر حزب به اصطلاح اسلامی فرمانروایی نماید شاعر چه خوب گفته:

چهره در پرده زهد و دل از ایمان خالی      این بسا کفر که در کسوت اسلام کنند

اما غافل از اینکه با چنین اندیشه یکبار دستگاه استخباراتی آی اس آی ، تحت نام گروه طالبان به رهبری تخیلی ملا عمر استفاده ابزار گونه نموده بود و آنها هم نا خود آگاه شعار میدادند که تاجک به تاجکستان ، ازبک به ازبکستان و هزاره ها به ایران بروند و اینکه پشه ای ها ، نورستانی ها و سایر اقوام به کجا میرفتند ، جایی به آنها انتخاب نکرده بودند که آنها از نادانی وبی خردی شان سرچشمه میگرفت و یا جیره شان همان بود که آی اس آی تعیین نموده بود، با نگرفتن تجربه از این دسیسه آی اس آی ، امیر حزب باز هم در میدان درآمده ، عرابه پلان های شوم بیگانگان را بالای مردم خود به جرکت آورده ولی بی خبر از اینکه با چنین پیام، امیر حزب نه تنها مفاد نمی کند بلکه باز هم تیشه به ریشه خود میزند و افرادی را که از اقوام دیگر به نام اسلام دور وی جمع شده بودند از دست میدهند و حال دارد گلب الدین حکمتیار از مقام امیر حزب اسلامی به دستور آی اس آی کنار رود و چهره واقعی بی بی را که در ضمیر دارد در پیام عیدی اش به قضاوت هموطنان ما گذاشت.

پایان

د پانو شمیره: له ۲ تر ۲

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de) یادونه: دلیکنی د لیکنیزې ښې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ